

The Unification of Forces in the Future War

Mohammad Taherian¹

Hassan Bayat²

Mohammad Reza Besharati³

ABSTRACT

The principles of war are based on the rational principles that govern the military aspect of war. The principle of concentration of forces, which is defined as the unification of effective combat capability at the right time and place, will rationally and logically govern the planning and execution of future offensive operations. The question that this study seeks to answer is: what are the methods and considerations to use the principle of focus and unification the conditions of future war?' This study, in a descriptive and mixed approach, studied theoretical literature and examined the available backgrounds, collecting the necessary field and library information. In the quantitative area of the Battalion Commanders, and the deputies of the intelligence and operations of the infantry, armored and artillery units of the Army, it formed a statistical population of the research, which is determined by the random sampling method. In the qualitative field, he has also interviewed six scholars and experts who had prominent records in both operational and research dimensions. To answer the research question, the results of the interview were summarized and categorized in the open coding process and in central coding in 10 categories. In each category, the data has been used, and in each case the qualitative and quantitative results have been complementary and complementary to each other. Finally, by combining the proven categories, practical considerations such as the need to change attitudes to the concept of concentration, the need to pay more attention to non-state and superior combat power, focus on time rather than focus on place and other factors have been suggested.

Keywords: Principles of War, Unification of Forces, Future War, Unbalanced War.

-
1. Corresponding Author: Graduate of Master Degree, Imam Hussein University, Tehran, Iran
M64thrn@chmail.ir
 2. Associate Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran
Bayat@chmail.ir
 3. Assistant Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran
Besharati@chmail.ir

تمرکز قوا در جنگ آینده

محمدطاهریان^۱

حسن بیات^۲

محمدرضا بشارتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

چکیده

اصول جنگ از جنس مبانی عقلانی و منطقی حاکم بر جنبه نظامی جنگ است. اصل تمرکز قوا که به تمرکز توان رزمی مؤثر در زمان و مکان درست تعریف می‌شود، به طور عقلانی و منطقی، همچنان بر طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های تهاجمی در آینده حاکم خواهد بود. بررسی که این پژوهش سعی دارد به آن پاسخ دهد این است که «روش و ملاحظات به کارگیری اصل تمرکز قوا با توجه به شرایط جنگ آینده» چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی و با رویکردی آمیخته، ضمن مطالعه ادبیات نظری و بررسی پیشینه‌های در دسترس، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات لازم به صورت میدانی و کتابخانه‌ای کرده است. در حوزه کمی فرماندهان گردان و بالاتر و معاونان اطلاعات و عملیات یگان‌های پیاده، زرهی و توپخانه نیروی زمینی سپاه و ارتش، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده که با روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای» ۱۵۲ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده است. در حوزه کیفی نیز با شش نفر از اندیشمندان و صاحب‌نظران که دارای سوابق برجسته در هر دو بعد عملیاتی و پژوهشی بودند، مصاحبه صورت گرفته است. برای پاسخ به پرسش پژوهش، نتایج مصاحبه در فرآیند «کدگذاری باز» به ۶۲ مفهوم و در «کدگذاری محوری» در ۱۰ مقوله خلاصه و دسته‌بندی گردید. در تفسیر هر مقوله از داده‌ها نیز استفاده و در هر مورد نتایج کیفی و کمی مؤید و مکمل یکدیگر بوده‌اند. در پایان با ترکیب مقوله‌های اثبات‌شده، ملاحظاتی کاربردی از قبیل ضرورت تغییر نگرش به مفهوم تمرکز قوا، ضرورت توجه بیشتر به عوامل غیرفیزیکی و برترساز توان رزم، تمرکز در زمان به جای تمرکز در مکان و... برای مراعات تمرکز قوا در شرایط جنگ آینده پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: اصول جنگ؛ تمرکز قوا؛ جنگ آینده؛ جنگ ناهم‌تراز.

۱. نویسنده مسئول: فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران M64thrn@chmail.ir

۲. دانشیار، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران Hbayat@chmail.ir

۳. استادیار، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران Besharaty@chmail.ir

مقدمه

جنگ، مانند همه جنبه‌های زندگی بشر در گذر زمان بارها متحول شده است. رشد فناوری و تغییر نگرش انسان به جنگ، باعث به وجود آمدن ادوار متمایزی از آن در طول تاریخ شده که هر دوره دارای ویژگی‌های مختص به خود است. در عصر حاضر عواملی از قبیل جهش فناوری و انفجار اطلاعات، شکلی از جنگ را پدید آورده که اندیشمندان ترجیح می‌دهند به‌جای تعریف آن، به برشماری ویژگی‌هایش پردازند؛ ویژگی‌هایی که بر تمام شئون جنگ از بازیگران گرفته تا تجهیزات و فرآیندها تأثیرات عمیقی گذارده است. اصول جنگ، یکی از شئون متأثر از فضای جنگ آینده است که انتظار می‌رود به دلیل ثباتی که در ذات خود دارد، در این فضا نیز حاکم بوده و همچون گذشته، معیاری برای ارزیابی عقلانی بودن تصمیمات و اقدامات نظامی به شمار آید.

اصول جنگ، چارچوب عقلانی برای بعد نظامی جنگ است؛ چارچوبی پایدار و ثابت که ابداعی نیست، بلکه مفاهیمی را در بردارد که همواره در ذات و طبیعت جنگ وجود داشته و بشر به مرور آن را فهرست کرده است. تمرکز قوا یکی از اصولی است که مورد توافق و تأیید همه صاحب‌نظران و اندیشمندان نظامی است. این اصل در سطح تاکتیکی ناظر به متمرکز ساختن توان رزمی در زمان و مکان مناسب برای دستیابی به نتایج دلخواه عملیاتی است. اصل تمرکز قوا در همه سطوح و فضاهای جنگ حاکم بوده و خواهد بود، ولی نمی‌توان تأثیر ویژگی‌های جنگ آینده را بر شکل اجرا و به‌کارگیری این اصل، نادیده گرفت.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، اصل تمرکز قوا بیش از سایر اصول جنگ، تحت تأثیر شرایط و ویژگی‌های جنگ آینده خواهد بود، از طرفی مراعات و به‌کارگیری این اصل برای هر اقدام نظامی لازم و ضروری است. پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مبتنی بر تأثیرات جنگ‌های آینده، به‌کارگیری این اصل را دشوار و گاهی غیرممکن می‌داند، از سویی اصول و مبانی عقلی، اجرای عملیات‌های نظامی را بدون تمرکز، ناممکن می‌داند. بر همین اساس این مسئله مطرح می‌شود که اصلی که اجرای آن در هر شرایطی ضرورت دارد ولی به‌کارگیری آن در جنگ آینده، با آسیب‌پذیری همراه خواهد بود، چگونه و با چه ملاحظاتی باید مراعات و به‌کارگیری شود؟

بر همین اساس در این پژوهش به دنبال ملاحظات و روش‌هایی هستیم که با رعایت و اجرای آن بتوان اصل تمرکز قوا را متناسب با ویژگی‌ها و فضای متلاطم و پرابهام جنگ آینده، به‌خوبی به‌کار گرفت. طبیعتاً در اینجا منظور از «روش‌ها»، تاکتیک‌ها و اقدامات اجرایی نیست، بلکه ملاحظات جدی است که برای اینکه بتوان تمرکز قوا را در جنگ آینده مراعات کرد، باید به آن ملاحظات توجه نمود.

در خصوص به کارگیری اصول جنگ در جنگ آینده پژوهش‌هایی صورت گرفته است که عمدتاً به دنبال بررسی کارایی اصول جنگ در جنگ آینده، یا پیشنهاد جایگزین کردن اصولی متناسب با این جنگ‌ها است (افشردی و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهشی به نام «اصول رهنامه عملیاتی نزاجا و نرسا در نبرد ناهمتراز» که به روش کیفی انجام شده است، ۲۸ اصل مرتبط با این فضا را پیشنهاد می‌کند. در پژوهشی دیگر به نام «تفاوت‌ها و شباهت‌های اصول نبردهای همتراز و ناهمتراز» (که افشردی و همکاران، در سال ۱۳۹۸ به روش زمینه‌ای موردی انجام داده‌اند)، به این نکته اشاره می‌شود که از میان ۳۱ اصلی که برای نبردهای همتراز و ناهمتراز در این پژوهش بررسی شده است، اصول تمرکز قوا و فرسایشی نمودن جنگ، در نبرد ناهمتراز تعریفی ندارند (باری آر. اشنایدر، ۱۳۹۴). در پژوهشی به نام «اصول جنگ برای نبردهای آینده» نتیجه می‌گیرد که بازنگری اصول جنگ، که به درگیری‌های آینده با یک دشمن مجهز به سلاح‌های متعارف پیشرفته و سلاح‌های کشتار جمعی مربوط است، می‌تواند درک بهتری را از نحوه انجام عملیات در میدان‌های نبرد در آینده ارائه کند. با وجود چنین مجموعه‌ای از اصول، این رهنمودها کاملاً دقیق نیستند و نمی‌توانند جایگزین تشخیص و ابتکار عمل شوند. در پژوهشی دیگر به نام «اصول جنگ در عصر ناهمگونی» (حسنلو، ۱۳۹۶) که به دنبال یافتن تأثیر ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ است، نتیجه می‌گیرد که جنگ ناهمگون بر برخی اصول جنگ نظیر اصل تمرکز قوا تأکید کمتری دارد. پژوهش حاضر ضمن در نظر گرفتن تعریف درست تمرکز قوا و با تأکید بر اینکه این اصل بر همه فضاها جنگ و در تمام سطوح آن حاکم است، به دنبال ارائه ملاحظات برای نحوه مراعات آن در جنگ آینده می‌باشد.

مبانی نظری

اصول جنگ

تعاریف مختلفی از اصول جنگ مطرح شده است که به ویژگی‌هایی مانند قاعده‌مند بودن، عقلانی و منطقی بودن، سپری کردن سیر تکاملی و آزموده شدن در طول تاریخ اشاره دارد. اصول جنگ، مجموعه‌ای از ملاحظات اساسی جنگ است که طی قرن‌ها جمع‌آوری شده است و مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد است که حاصل عصاره تجربیات به‌دست آمده می‌باشد و چنانچه در شرایط خاصی، به‌طور هوشمندانه به کار رود در انتخاب راهکارهای مناسب، فرماندهان و طراحان را یاری خواهد کرد. (کالینز، ۱۳۸۸: ۴۷۶).

اصول جنگ، قواعد مسلم و مبانی اساسی در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی بوده که

بر جریان جنگ حاکم است و به کارگیری به جا و صحیح آن‌ها امکان موفقیت نبرد را افزایش می‌دهد (بیات، ۱۴۰۰: ۹۹).

پایه و شالوده علم و هنر جنگ را که شامل عصاره قوانین و تئوری‌های نظامی ارزیابی شده و نتیجه تجربیات و آزمایش‌های پی‌درپی صحنه‌های جنگ است و حاصل خون‌های ریخته شده و میراث عملیات نظامی قرون گذشته به شمار می‌روند؛ با عنوان اصول جنگ نام‌گذاری نموده‌اند (معین‌وزیری، ۱۳۹۸ به نقل از آیین‌نامه عملیات: ۲۹).

اصول جنگ، قواعدی منطقی و حاصل ترکیب ایده‌های اندیشمندان مختلف است که در طول قرن‌ها پالایش شده و تکامل یافته است. این قواعد در امور نظامی نقش راهنما را دارد و نه چارچوبی غیرمنعطف که ضرورت پیروی جزم‌گونه را به دنبال داشته باشد (فارمر، ۲۰۱۰: ۸).

اصول جنگ، مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد است که از عصاره تجربیات به دست آمده‌اند و چنانچه در شرایط خاصی بافراس‌ت به کار روند، راهبردنکاران را در انتخاب راهکارهای مناسب، یاری خواهند کرد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۹: ۹).

اصول جنگ، مجموعه‌ای از بایسته‌های (الزامات) دانشی است که بنیان و بنیاد رهیافت‌ها، راهبردها و راهکارهای جنگ و نبرد را تشکیل می‌دهد. اصطلاح علمی اصول جنگ، به معنای بنیاد قوانین و مقررات اولیه، بدیهی و مهم جنگ است که بنیادی‌ترین شکل دکترین نظامی بوده و مبین عناصر اصلی هدایت جنگ است. هرچند این اصول درک بهتری از جنگ را فراهم می‌کنند، اما نمی‌توان آن‌ها را موضوعاتی دانست که لزوماً به پیروزی منتهی می‌شوند. (حسلو، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

بیانات عقلانی مبتنی بر تجربه، مردان بزرگ تاریخ درباره جنگ و آموزش‌های آن‌ها در مسیر زمان به‌عنوان اصول جنگ، شناخته شده است (طاهایی، ۱۳۷۲: ۳۲).

جی‌اف‌سی‌فولر (۱۹۹۳) برای تعریف دکترین، اصول جنگ را ستون عقلانی و منطقی دکترین دانسته و می‌نویسد: ایده اصلی ارتش به‌عنوان دکترین آن ارتش شناخته می‌شود برای عقلانی بودن باید مبتنی بر اصول جنگ و برای مؤثر بودند باید به‌قدر کافی انعطاف داشته باشد تا براساس تغییر در شرایط با وضعیت جدید هماهنگ شود. این دکترین منطقی و منعطف همان عقل سلیم است که اقدام سازگار با شرایط را تجویز و توصیه می‌کند (Fuller, 1993: 254).

همان‌طور که از تعاریف بالا برمی‌آید، اصول جنگ، اساس سایر مفاهیم زیربنایی جنگ است؛ پایه و اساسی که تغییر در شرایط و تحولات جنگ آن را به چالش نمی‌کشد. پس این گویه که «اصول جنگ، ابزار اداره جنگ‌های آینده نیست»، کاملاً مردود است. تنها قیدی که شرایط جنگ‌های آینده بر

حکومت اصول جنگ در اداره صحنه خواهد داشت، پیوستگی عقلانیت (و اصول جنگ به عنوان مظهر آن) با ابتکار و خلاقیت است.

به طور کلی اصول جنگ همیشه به یک اندازه مورد توجه نیستند (به عبارت دیگر گاهی تمرکز قوا مورد توجه است، گاهی صرفه جویی در قوا). راهبردهای آفندی ممکن است بیشترین بهره را از اصل غافل گیری کسب کنند؛ در حالی که راهبردهای پدافندی بیشتر از اصل تأمین، بهره می گیرند (کالینز، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

اصول جنگ، یکی از مبانی ورودی به فرایند تهیه و تدوین دکترین است. هر چند که در برخی از پژوهش ها به این نکته مهم توجه نمی شود و با بهانه دستیابی به اصولی برای اداره جنگ های آینده، سعی می شود از توصیه های دکترین و روش هایی که برای اداره جنگ آینده مفروض می دارند، به اصول جدیدی دست یابند (طاهریان، ۱۴۰۰: ۸۲).

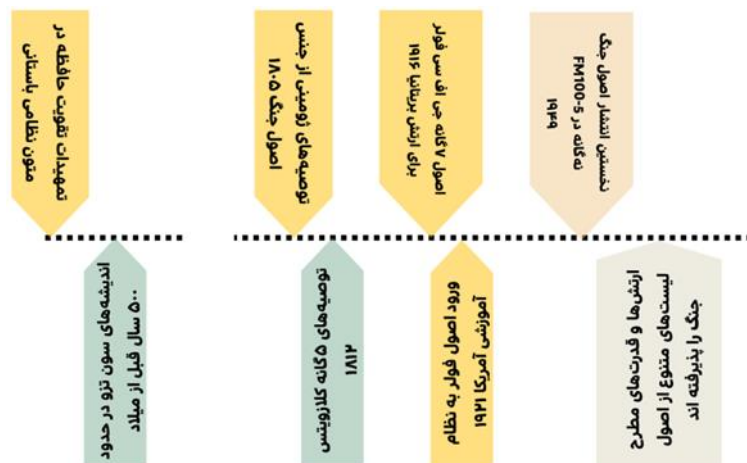
یکی از ویژگی های اصول جنگ که در تعاریف مختلف ارائه شده است، ویژگی آزموده شدن این اصول در طول تاریخ است که در کنار ماهیت عقلانی بودن باعث می شود که اصول جنگ مورد پذیرش عموم بوده و برای اثبات اهمیت و ضرورت آن نیاز به دلیل و برهان نباشد.

نگاهی به تاریخ شکل گیری و توسعه اصول جنگ نشان می دهد که در دوران باستان نویسندگان برای آنکه به مخاطبان کمک کنند نکات ضروری را بهتر در ذهن خود نگه دارند، اغلب از تمهیدات تقویت کننده حافظه در این متون استفاده می کردند؛ مثل اصول پنج گانه، مفروضات شش گانه، مانورهای نه گانه و سایر موارد مشابه (فان کرفلد، ۱۳۸۴: ۲۳). از آرا و نظریات چنین برمی آید که اصول جنگ همانند قواعد علم منطقی، فطری است و از زمان های قدیم انسان ها به صورت غریزی از آن ها در جنگ بهره می بردند، ولی کشف، ثبت و تدوین آن ها به تدریج در طول زمان انجام گرفته است (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۹: ۶).

با بررسی پیشینه های مربوط به شکل گیری اصول جنگ در ارتش آمریکا، و به ویژه مراجعه به متن انگلیسی پایان نامه ای به نام «اصول جنگ، آیا هنوز کاربرد دارد؟» و مقاله ای به نام «آیا اصول جنگ در جنگ سایبری کاربرد دارد؟» به این جمع بندی می رسیم که نخستین بار مفاهیم اولیه اصول جنگ در اندیشه های «ژومینی» تبلور یافت. برخلاف فهرست مختصری که اصول جنگ امروز ارتش آمریکا را تشکیل می دهد، اصول ژومینی به شیوه ای مبهم و فهرست بندی نشده بود. در خصوص نقش و تأثیر ژومینی بر فرماندهان میدانی عصر خود، معروف است که در جنگ های داخلی آمریکا (بین سال های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵) فرماندهان دو طرف در حالی به جنگ می پرداختند که نسخه هایی از کتاب ژومینی را

در جیب داشتند. فارغ از اغراق آمیز بودن این شایعه، نکته‌ای مهم را باید در نظر داشت که هنر ژومینی در تئوریزه کردن اصول و قواعد جنگی و مفاهیم این حوزه و ارائه به صورت فهرستی کاربردی بود. پس از آن، «فولر» نخستین کسی بود که فهرست تقریباً دقیقی از اصول جنگ را در سال ۱۹۱۶ ارائه کرد و ارتش انگلیس نخستین کشوری بود که تحت تأثیر اندیشه‌های فولر فهرست رسمی اصول را در سال ۱۹۲۰ به طور رسمی منتشر کرد. در ادامه اصول نه گانه جنگ در سال ۱۹۲۱ در «مقررات آموزشی شماره ۵-۱۰» نیروی زمینی آمریکا منتشر شد. تقریباً دو سال بعد مقالاتی که در مجله دانش پیاده به چاپ رسید، به تشریح این اصول به صورت واضح و روشن پرداخت. در سال ۱۹۴۹ اصول نه گانه جنگ آمریکا برای اولین بار در «دستور رزمی ۵-۱۰» به صورت رسمی تعریف شد و جایگاه خود را در ویرایش‌های بعدی آن و امروزه هم در «دستور رزمی ۰-۳» حفظ کرده و اکنون به عنوان مبنای دکترین نیروی زمینی از آن یاد می‌شود (Ettrich, 2005:11; Farmer, 2010:8).

امروزه شناخته شده‌ترین و پرکاربردترین فهرست اصول جنگ، در بین ارتش‌های جهان، اصول جنگ نه گانه‌ای است که در ارتش آمریکا رایج است. در زبان انگلیسی سرواژه «موسکاموس» که از حروف اول این اصول تشکیل شده، برای به خاطر سپاری این فهرست به کار می‌رود. این فهرست شامل هفت اصل که «فولر» مطرح کرده بود و عبارت بودند از: هدف، آفند، تمرکز، صرفه‌جویی، غافل‌گیری، تأمین و همکاری که بعدها نیروهای مسلح آمریکا، اصل همکاری را حذف و اصول سادگی و وحدت فرماندهی را به آن اضافه کردند. شکل شماره ۱ سیر شکل‌گیری و تکامل اصول جنگ را نشان می‌دهد.



شکل ۱. سیر تاریخی شکل‌گیری اصول جنگ (محقق ساخت)

تمرکز قوا

تمرکز قوا یکی از اصول جنگ است که تقریباً همه کشورهای که به فهرست رسمی اصول جنگ قائل اند، آن را پذیرفته‌اند. اندیشمندان مختلف تعاریف متنوعی از این اصل ارائه کرده‌اند که در عین تنوع در شکل و ظاهر، همگی در مفهوم این اصل هم‌نظر هستند. این فهم مشترک از مفهوم اصل تمرکز، ریشه در بنیان قوی عقلی و منطقی آن دارد. هرچند دشواری در اعمال و به کارگیری این اصل در جنگ آینده، باعث شده برخی صاحب‌نظران پس از ورود مفاهیمی چون جنگ نامتقارن، ناهمگون، ناهمتر از... با استناد به فضای این جنگ‌ها، سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن این اصل داشته باشند، اما ضرورت عقلی به کارگیری آن در هر اقدام نظامی و در هر فضایی از جنگ، باعث می‌شود همواره در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های نظامی، در زمینه فکری طراحان و فرماندهان قرار گیرد. در ادامه به برخی تعاریف تمرکز قوا پرداخته می‌شود.

تمرکز به معنای جمع‌آوری قدرت رزمی برتر از طریق متراکم نمودن نیروها به نحوی مناسب و به کار بردن آن در زمان و مکانی است که در اصل حمله مورد شناسایی و قبول قرار می‌گیرد. تمرکز به منظور وارد کردن ضربه نهایی به دشمن یا قرار دادن وی در وضعیت بحرانی انجام می‌شود. در دست داشتن ابتکار عمل سبب می‌شود تا از تمرکز در زمان و مکان مناسب علیه نقاط ضعف دشمن بهره‌برداری گردد. از سویی تمرکز منحصر در جمع‌آوری واحدهای نظامی نبوده، بلکه استفاده صحیح از قدرت آتش و داشتن تحرک لازم را نیز شامل می‌شود. در جریان این اصل باید یگانهای پشتیبانی و رزمی با رهبری صحیح همراه شوند تا بتوان بالاترین نتیجه را گرفت و دشمن را منهدم کرد (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲: ۷۷).

نکته مهم در خصوص اصل تمرکز قوا، موضوع توان رزم است. به این معنی که در مراعات این اصل باید به همه جنبه‌های توان رزمی که شامل عوامل فیزیکی (یگان‌های رزم، پشتیبانی رزم و پشتیبانی خدمات رزم به همراه نیروی انسانی و تجهیزات و امکانات مربوط)، عوامل غیرمادی (ویژگی‌های روحی روانی و معنوی، آموزش‌ها، مهارت‌ها و...) و عوامل برتری‌ساز (قابلیت‌هایی که منطبقه عملیات و ویژگی‌های دشمن برای طرح‌ریزی و اجرای بهتر عملیات در اختیار قرار می‌دهد) می‌شود، توجه کرد. در همین راستا «مالیک» می‌نویسد: «تمرکز قوا عبارت است از تجمع تأثیرات تمام قابلیت‌های نظامی موجود از قبیل توانایی زمینی (زرهی، توپخانه و...)، پشتیبانی‌های مشترک (اطلاعاتی، هوانوردی، نیروی دریایی، موشک‌ها و...)، نیروهای ویژه، عملیات روانی، جنگ الکترونیک و ابزارهای دیگر که می‌توانند به موفقیت مأموریت کمک کنند. با این حال، تمرکز قوا همیشه بهترین ابزار برای به کارگیری

مؤثر نیروها نیست، بلکه صرفه‌جویی در قوا هم به همان اندازه مهم است. تمرکز قوا به این معنا نیست که هرگز نباید پراکندگی داشته باشید؛ گسترشی پراکنده که در آن نیروی مانوری و قدرت آتش به‌خوبی سازمان‌دهی شده باشد همراه با طرح فریب مؤثر، به متعادل کردن نیروهای خود و گنج کردن دشمن کمک می‌کند. دانستن زمان تمرکز و پراکندگی، بسته به درک دقیق موقعیت و فهم زمان‌بندی مأموریت دارد. امروزه با ظهور جنگ‌افزارها با فناوری بالا برای تمرکز قوا دیگر نیازی نیست که نیروها برای تأثیرگذاری بر یک هدف، الزاماً به یک مختصات جغرافیایی منتقل شوند. با ظهور عصر اطلاعات و در دسترس بودن انبوه داده‌های میدان نبرد، جنگ دقیق تا حدودی جایگزین تمرکز قوا می‌شود. برای این منظور قدرت رزمی باید دقیقاً بر روی هدف ویژه به‌کارگیری شود. نیروهای نظامی آینده، شامل واحدهای کوچک و کشنده هستند که با سرعت و دقت بالا جابه‌جا شده تا به سمت آسیب‌پذیری‌های بحرانی دشمن حمله کنند» (Mallick, 2009: 14).

بیات (۱۴۰۰) در توضیح این اصل می‌نویسد: «تمرکز قوا عبارت است از تمرکز توان رزمی برتر و به‌کارگیری آن در زمان و مکان مناسب علیه دشمن به‌منظور درهم شکستن توان رزمی او. هیچ آفندی بدون تمرکز توان شکل نمی‌گیرد، اگر بخواهیم آسیب اساسی بر دشمن وارد کنیم باید قدرت و نیروی خود را در یک منطقه جمع کرده و سپس ضربه بزنیم، اگر این اصل درست رعایت شود، ممکن است نیرویی که در مجموع کمتر از دشمن باشد بر وی غلبه کند. تمرکز قوا از سطح یک رزمنده که باید حواس خود را جمع کرده، کمر و گتر خود را محکم بسته و سلاح و تجهیزات خود را به‌درستی حمایل کرده باشد شروع شده و تا بالاترین سطوح، مورد توجه قرار می‌گیرد. تمرکز قوا فقط با تمرکز توان عوامل فیزیکی به دست نیامده، بلکه تمرکز توان غیرفیزیکی مثل عوامل روحی و روانی نیز بسیار مهم‌اند. همچنین تمرکز اجرای تاکتیک‌های متنوع و هم‌زمان، می‌توانند دشمن را گیج و سردرگم نمایند. اگر تمرکز قوا با تأمین و حفاظت مناسب انجام نشود، آسیب‌پذیری نیروها را بالا می‌برد و در مقابل تک‌های هوایی، شیمیایی و هسته‌ای آسیب‌پذیر است، به همین دلیل باید تمرکز قوا با غافل‌گیری و تحرک زیاد صورت گرفته و بلافاصله باید عملیات قطعی آغاز شود، تمرکز قوا در مقابل مرکز ثقل دشمن بوده تا بتواند با آفند مناسب علیه هدف‌های حساس، تعادل دشمن را بر هم زند، طبیعی است دشمن در این منطقه حساس پدافند مستحکمی صورت خواهد داد، که ما باید قادر باشیم در این منطقه، آسیب‌پذیرترین و ضعیف‌ترین نقطه را برای تلاش اصلی خود انتخاب کنیم. تمرکز قوا با تمام امکانات و توانایی‌ها از قبیل یگان‌های رزم، پشتیبانی رزم، پشتیبانی خدمات رزم و حتی رهبری قوی و برتر نسبت به دشمن صورت می‌گیرد. تمرکز قوا به معنی آن نیست که بدون توجه به ملاحظات حفاظتی، تمام

تمرکز قوا در جنگ آینده

توان نظامی خود را در یک منطقه محدود جمع کنیم، بلکه باید ضمن پراکندگی به منظور تقلیل آسیب‌پذیری، یگان‌ها با داشتن تحرک مناسب در هر موقع که نیاز باشد در دسترس فرمانده بوده و وارد عمل شوند؛ یعنی اینکه یگان‌ها و نیروها طوری در منطقه پراکنده شوند که با یک بمب و یا یک آتش توپخانه تلفات کلی به یگان وارد نشود و از طرفی یگان‌ها در منطقه عمومی عملیات در شعاع معقول متمرکز شوند که در موقع نیاز، در عملیات شرکت کنند. فاصله زمانی بسیار کوتاه بین عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس، همچنین عملیات‌های کربلای ۴ و کربلای ۵ و سرعت در آماده‌سازی منطقه عملیات و نیروها برای اجرای عملیات، از بارزترین نمونه‌های دفاع مقدس در موضوع رعایت اصل تمرکز قواست.

تمرکز قوا معمولاً در نقاط آسیب‌پذیر دشمن صورت گرفته و در جایی به دشمن ضربه زده می‌شود که آمادگی آن را ندارد، در این باره جمله مشهور سون‌تزو قابل استفاده است: یک ارتش بی‌شبهت به آب نیست، آب از نقاط برجسته و محکم اجتناب نموده و همیشه به سمت گودی‌ها و نقاط پست و آسیب‌پذیر سرازیر می‌گردد. در جنگ آینده برای اجرای هر عملی به منظور آسیب رساندن به دشمن، باید تمرکز قوا صورت دهیم و در کل هیچ ضربه‌ای بدون متمرکز کردن قدرت، توان و قوا در یک نقطه، امکان‌پذیر نیست و در واقع قرار دادن نقاط قوت خودی در برابر نقاط ضعف دشمن در جنگ آینده، به نوعی تمرکز قوا تلقی می‌شود. تمرکز قوا ضرورتاً جمع کردن یک استعداد و تجهیزات کلان در یک نقطه نیست، بلکه وارد کردن ضربه اساسی در نقطه ضعف دشمن است که ممکن است این عمل با تمرکز حداقل نیرو و امکانات صورت پذیرد. ضمن اینکه رعایت هم‌زمانی یا تمرکز در زمان نیز نباید فراموش شود و ما باید عملیات‌های خود را در زمان نیز متمرکز کنیم؛ یعنی اینکه بتوانیم در یک‌زمان در چند صد نقطه، به دشمن ضربه وارد کرده و دشمن را در یک‌زمان در همه‌جا درگیر کنیم. این امر باعث می‌شود نیروهای دشمن نتوانند در پشتیبانی متقابل از همدیگر اقدام نمایند و نیروهای ما با کمترین آسیب‌پذیری، با حداقل نیروهای دشمن درگیر خواهند بود» (بیات، ۱۴۰۰: ۵۱).

معین‌وزیری (۱۳۹۸) درباره این اصل می‌نویسد: «اصل تمرکز در ابعاد عملیاتی و تاکتیکی به مفهوم تمرکز دادن توان رزمی برتر در زمان و مکان معین به منظور رسیدن به نتایج قطعی است. استقرار قدرت رزمی برتر در نقطه قطعی، زمانی قابل قبول است که امکان تقویت آن نقطه از سوی دشمن در زمان معین مقدور نباشد. این محل باید جایی باشد که دشمن منتظر ما نبوده یا اینکه به‌خوبی از آن دفاع ننماید. منظور از تمرکز ضربه زدن به دشمن با مشت گره کرده است نه سقلمه زدن یا نیش زدن به وی. همچنین نیروی خودی باید آن‌قدر دوام بیاورد که گویی نیرویی پایدار عمل می‌کند نه نیرویی مقطعی و

زودگذر؛ بنابراین تمرکز به دنبال درهم شکستن دشمن به این علت است که باید نیروی احتیاط تک اصلی را دنبال کند. اصل تمرکز قوا باید تحت لوای اصول تأمین و غافل‌گیری صورت پذیرد تا دشمن از آن مطلع نشود» (معین‌وزیری، ۱۳۹۸: ۵۴).

«کالینز» با اشاره به این نکته که برای درگیر ساختن همه مؤلفه‌های قدرت ملی باید تمرکز قوا صورت گیرد، در توضیح این اصل می‌گوید: «تمرکز کردن قوای کوبنده علیه نقطه ضعف حیاتی (مرکز ثقل استراتژیکی) دشمن، حصول نتایج قاطع را تسریع می‌کند اعم از اینکه مرکز ثقل استراتژیکی مورد نظر، نیروهای نظامی کشور متخاصم یا اراده ملی، توان صنعتی، یک شهر بزرگ، اذهان و قلوب آحاد مردم، شبکه مخفی که از عملیات چریکی پشتیبانی می‌کند، و یا یک رهبر کاریزماتیک باشد. طرفی که ابتکار عمل را در دست دارد از برتری شگفت‌انگیزی برخوردار است، چون می‌تواند خود را بر هدف مشخصی متمرکز کند، درحالی که دشمنان او نیروی زیادی را هدر می‌دهند تا خود را برای طرح‌های احتمالی نامعین آماده کنند» (کالینز، ۱۳۸۶: ۲۰۹).

جدول ۱. مقایسه اصل تمرکز در کشورهای مختلف (محقق ساخت)

کشور	اصل	معادل فارسی
انگلیس، چین، هند، کانادا	Concentration of Force	تمرکز نیرو
فرانسه، استرالیا، رژیم صهیونیستی	Concentration of Effort	تمرکز تلاش
شوروی	Massing and Concentration of Force	تجمع و تمرکز نیرو
آمریکا	Mass	تمرکز

یکی از چالشی‌ترین اصولی که به کارگیری آن در جنگ آینده بسیار مورد بحث و اختلاف نظر است، اصل تمرکز قوا است. برخی اندیشمندان معتقدند که ویژگی‌های جنگ آینده بیش از هر چیز بر امکان اجرا (یا بهتر بگوییم نحوه اجرای) اصل تمرکز قوا مؤثر خواهد بود. آمریکا با پی بردن به اهمیت اصل تمرکز قوا، سعی دارد شرایط به کارگیری این اصل را از دشمنان خود بگیرد و در نتیجه راهبرد «فرسایشی کردن جنگ» از سوی آن‌ها را بی‌اثر کند. در این راستا اسکیلز (۱۳۸۴) معتقد است، «دشمنان بالقوه آمریکا آموخته‌اند که از عامل ارزشمند زمان به بهترین نحو استفاده کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند ضمن اجتناب از تلفات، آن قدر مقاومت کنند که ابتدا آمریکایی‌ها از جنگ خسته شوند و برای سرعت بخشیدن به این روند آموخته‌اند که چگونه آمریکایی‌ها را سریعاً بکشند». وی برای حل این مشکل توصیه می‌کند ضمن تغییر شیوه جنگیدن خطی متعارف اروپایی، به یک شیوه غیرخطی مبتنی بر کنترل

سرزمین، از عامل «زمان» حداکثر استفاده را به عمل آید و برای این منظور در مرحله موسوم به «کیش» با سلسله حملات دقیق هوایی و موشکی راهبردی، دشمن را زمین گیر و او را وادار سازیم که نیروهایش را پراکنده کند و در مرحله بعد نیروهای دشمن را که به صورت واحدهای کوچک متفرقه بی دفاع در آمدند و از هرگونه حرکت و تمرکز مؤثری عاجز هستند، با استفاده متوازن از آتش و مانور درهم بکوبیم. در این شرایط دشمن با یک تناقض مرگبار روبه‌روست، اگر نیروهایش را پراکنده نگه دارد، نیروهای زمینی او را درهم خواهند کوبید و اگر سعی کند نیروهایش را متمرکز سازد، با فشار بی‌امان ناشی از قدرت آتش دقیق روبه‌رو می‌شود. در این حالت دشمن در دو وضعیت «کیش» و «کیش‌ومات» گیر افتاده است» (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۳۳).

این نکته ظریف نشان می‌دهد که هرچقدر اجرای تمرکز قوا در جنگ آینده سخت و پرخطر باشد، به همان اندازه اجرای آن ضروری و حیاتی خواهد بود. در این راستا باید ملاحظات به کارگیری این اصل متأثر از فضای جنگ آینده تغییر کند؛ چیزی که این پژوهش به دنبال دستیابی به آن است.

جنگ آینده

پیش‌بینی دقیق آینده غیرممکن است؛ عدم قطعیت آن بر تعداد فرضیه‌های که برای تفکر آینده لازم است می‌افزاید؛ بنابراین همه مطالعات در خصوص آینده نوعی گمانه‌زنی هستند. برای نگاه به آینده باید گذشته را مدنظر گرفت. در نظر گرفتن گذشته به لحاظ عقلانی ما را از تفکر آزادانه در مورد آینده بازمی‌دارد، اما نادیده گرفتن یا کنار نهادن آن نیز تفکر در مورد آینده را به ورطه عدم اطمینان می‌افکند (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۱۷). مفهوم جنگ آینده، علی‌رغم کاربرد آن به‌عنوان مفهومی جدید، در عمل پیشینه‌ای کهن دارد و آنچه به اهمیت این مفهوم در دو قرن اخیر افزوده است، افزایش سرعت دگرگونی فناوری و به دنبال آن احتمال دستیابی دولت‌ها به نوع پیشرفته‌تری از جنگ‌افزارها در مدتی کوتاه، بوده است (کرمی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). جنگ‌های آینده برآیندی از پیشرفت در تسلیحات و تجهیزات، پیشرفت در راهکنش (تاکتیک) و پیشرفت در روش‌ها و پیدایش مفاهیم جدید خواهد بود که ترسیم دقیق وضعیت آن امکان‌پذیر نیست (شهلائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹). با ورود جهان به قرن بیست‌ویکم توانایی ابزار و وسایلی که نیروهای نظامی آمریکا از آن‌ها استفاده می‌کنند وارد مرحله گذار جدیدی شده است که در آن اساس و شالوده فکری تغییر یافته است. تحولات گذشته در نتیجه تأثیر فناوری‌های جدید در تسلیحات و اصول فکری آن‌ها بوده است؛ از بادبان به موتور بخار و توربین، از پیاده‌نظام به سواره‌نظام و وسیله موتوری، از بالن به هواپیمای سرنشین‌دار و هواپیمای بدون سرنشین (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۱۳).

حیدریان و خادم‌دقیق (۱۳۹۸) به نقل از نصیرزاده؛ این تعریف را برای جنگ آینده مطرح می‌کنند: «جنگ‌هایی که خصوصیت‌های بارز آن کوتاه بودن زمان درگیری، وسعت منطقه نبرد، اجرای جنگ سریع، قاطع با شدت عمل زیاد، سرعت بالا در چرخش اطلاعات، استفاده از فناوری جدید و پیچیده در اداره جنگ و... است و به‌عنوان جنگ نوین به‌طور خاص از سال ۱۹۹۰ به بعد این روش جنگ، از سوی قدرت‌های نظامی برتر در صحنه‌های نبرد به کار گرفته شده است» (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۳).

کلانتری (۱۳۹۶) در پژوهشی باهدف «تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده» به نقل از «رشید» جنگ آینده را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنگی شناخت‌محور و فناوری‌پایه است که از طریق هم‌افزایی قابلیت‌های دفاعی امنیتی و اشراف اطلاعاتی، در صحنه‌های سیال جغرافیایی و شبکه‌ای به‌صورت ناهم‌تراز و ائتلافی انجام می‌گیرد. این جنگ، نوعی عملیات تأثیرمحور و غافلگیرکننده است که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و استفاده حداقلی از نیروی زمینی، با به کارگیری گروه‌های فراملی و فروملی، به‌منظور شکست راهبردی دشمن و نابودی زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و زیست‌محیطی اجرا می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

«مک کالو» و «جانسون» (۲۰۱۴)، در تأکید بر اینکه فضای جنگ آینده اقتضا می‌کند که مفاهیم و شیوه‌های مختلف جنگ به دستورالعمل‌ها راه پیدا کند؛ به نقل از آن «آنتولیوجی اچواریا» می‌نویسند: «انواع مختلف جنگ، منطق یکسان اما دستور زبان‌های متفاوتی دارند. جنگ‌های معاصر نیاز به این دارند که به هر دو دستور زبان (کنایه از روش جنگ‌های متعارف و روش جنگ‌های نوین) مسلط باشیم» (مک کالو و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶).

پس از بررسی منابع مختلفی که در حوزه جنگ آینده در دسترس بود، ویژگی‌های مطرح شده برای جنگ‌های آینده در جدول شماره ۲ جمع‌بندی شده است.

جدول ۲. ویژگی جنگ آینده در منابع مختلف (محقق ساخت)

ویژگی‌های برشماری شده	پژوهشگر
عمده ویژگی‌های جنگ نامتقارن عبارتند از: تکرارناپذیری. کوتاه‌مدت. غافل‌گیرانه (تاکتیکی و استراتژیکی). غیرقابل پیش‌بینی. صحنه نبرد مشخص نداشتن. همه‌جا، همه‌وقت، همه‌کس، همه‌چیز. نامشخصی و نامعینی جنگجویان. نداشتن ابزار و فناوری مشخص. فضای مانوری زیاد. تأثیر نامتناسب یا دستاورد نامتناسب یعنی دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع اندک. داشتن واحدهای اجرایی و رزمی کوچک. ضربه زدن دقیق	(زهتاب سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۸)

تمرکز قوا در جنگ آینده

ویژگی‌های برشماری شده	پژوهشگر
عملیاتی.	
ویژگی‌های جنگ‌های آینده: عملیات سریع و قاطع، سینرژی یا هم‌افزایی قدرت، عملیات‌های تأثیرمحور، پیوند علم، هنر و فناوری، عملیات‌های غیرخطی	، همکاران، (شیخ و همکاران، ۱۳۹۶)
مشخصات جنگ آینده: عملیات سریع و قاطع، مدیریت زمان، عملیات تأثیرمحور، عملیات غیرخطی، استفاده از نیروهای ویژه، اشراف اطلاعاتی، درگیری هم‌زمان، انجام عملیات پیش‌دستانه، استمرار عملیات تحت هر شرایطی، توسعه صحنه نبرد و نفوذ در عمق هدف، تکیه بر عملیات روانی، حمله به مراکز ثقل، آفند مسطح و موزاییکی، تهاجم دقیق هوایی، تأکید بر مجازی‌سازی، تمرکز بر کاهش هزینه‌ها، ائتلاف‌سازی، مدیریت آستانه تحمل، تغییر در نوع مانور، تکیه بر ابزارهای الکترونیکی و مخابراتی، رویکرد شبکه‌محوری، به‌کارگیری تاکتیک‌های ناهم‌تراز و ناهمگون، استفاده از توانمندی پهباد، پشتیبانی متمرکز، پیوند علم و هنر و فناوری، جنگ الکترونیک، سایبر در رزم و رزم سایبری	، همکاران، (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۸)
ویژگی‌های جنگ ناهم‌تراز: عدم هم‌ترازی شمار نیرویی و قدرت عملیاتی، سادگی و هم‌زمان پیچیدگی ابزارهای مورد استفاده، ابتکار و خلاقیت در روش اجرا، هدف قرار دادن اراده دشمن، تلاش برای دستیابی به تأثیرات راهبردی، تأثیر فوق‌العاده نقش ابتکار و غافل‌گیری، ناهم‌تراز بودن منافع طرفین، بسط محیطی، ضرورت قابلیت انعطاف بالا، ضرورت اثربخشی بالا، عدم شناسایی دقیق	، ناش، (حسینی ناش، ۱۳۸۷)
ویژگی‌های عمومی و راهبردی جنگ‌های آینده در سطح قدرت برتر، ضعیف و متوسط عبارتند از: هم‌افزایی، درهم تنیدگی و تأثیرگذاری متقابل تهدیدهای نظامی با تهدیدهای امنیتی، قدرت غافل‌گیری بالا (فریب، قدرت مخفی‌سازی، تهاجم دور از انتظار، استقرار دور)، اشراف اطلاعاتی با توجه به امکانات گسترده در فضا، هوا، زمین و دریا، عملیات پُرشدت و متمرکز در زمان کوتاه (گریز از فرسایشی شدن جنگ)، گستردگی عملیات از نظر جغرافیا و بُعد مکان، فناوری‌محور بودن، تکیه بر عملیات مخصوص چند نیرویی، گسترش و سیالیت صحنه جغرافیایی جنگ، تلفیق توانمندی‌ها (سخت، نرم و نیمه سخت)، حمله به توانمندی‌های راهبردی و مراکز ثقل دشمن، بهره‌گیری از عملیات روانی گسترده با استفاده از فنون فضای مجازی و رسانه‌ای، کاهش چرخه زمان اطلاعات و زمان اجرای عملیات، افزایش دقت هدف‌گیری و هوشمند شدن سلاح‌ها (کاهش هواپیماها و مهمات)، نزدیکی سطوح راهبردی، عملیاتی و راهکنشی جنگ، هم‌زمانی عملیات در سطوح راهبردی، عملیاتی و راهکنشی، عملیات نظامی تأثیرمحور با تمرکز بر نقاط ثقل و ستون فقرات کشور مقابل، دور ایستایی جنگ آینده، ارزش‌محوری و آرمانی بودن (ایدئولوژی و هدف‌های بلندمدت)، مردم‌پایه بودن، دریاپایه و هواپایه بودن (استفاده حداقلی از نیروی زمینی)، استفاده از	، (کلانتری، ۱۳۹۵)

ویژگی‌های برشماری شده	پژوهشگر
گروه‌های تروریستی فراملی و فروملی در محیط قومی - مذهبی. خصوصی‌سازی و استفاده از توان شرکت‌های امنیتی. شناخت محور بودن (با استفاده از علوم شناختی). ناهمتراز بودن. نابرابر بودن. قابلیت محور بودن. بسیج توانمندی‌ها و مؤلفه‌های قدرت ملی. متنوع شدن محیط تهدیدها و نوع عملیات.	
ویژگی‌های جنگ آینده: غیرقابل پیش‌بینی بودن. مشخص نبودن صحنه نبرد. مشخص نبودن جنگجویان. مشخص نبودن نوع ابزار و فناوری. فضای رزمایش زیاد. اتکا به واحدهای اجرایی و رزمی کوچک. ضربه دقیق عملیاتی. سرعت شدت عمل و تحرک بالا. انعطاف‌پذیری. پراکندگی. صرفه‌جویی در قوا.	(شهلائی و همکاران، ۱۳۹۵)
تأثیرگذارترین ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول جنگ: ابتکار عمل. واکنش سریع. دفاع همه‌جانبه. چندمنظوره بودند. پراکندگی و تمرکززدایی. قابلیت انعطاف. اثربخشی راهبردی. بومی‌سازی. خوداتکایی و استقلال رزمی. سیالیت. حرفه‌ای و استشهادی‌سازی نیروها. اشراف اطلاعاتی خارجی و داخلی. توازن وحشت و عملیات روانی. اختفا، استتار و فریب. کم‌هزینه بودن. ایجاد ابهام و پیچیدگی. قابلیت حمله به راهبرد دشمن. عدم قطعیت. حفظ توان خود و مهار برتری آتش هوایی. عدم انتظار. نظم و انضباط انقلابی.	(حسنلو، ۱۳۹۴)
اهم ویژگی‌های نبرد ناهمتراز عبارتند از: تکرارناپذیری. از اصول فریب و غافل‌گیری بهره می‌برد. دامنه زمانی نامحدود و بین هزینه و نتایج تناسب وجود ندارد. محدودیت زمانی و مکانی ندارد. در شیوه و به‌کارگیری تجهیزات تنوع زیادی وجود دارد. روش عملیاتی و راهکنشی نامشخصی دارد. چالش بسیار زیادی در اتخاذ راهکار مقابله‌ای دارد. ابهام‌سازی و ایجاد عدم قطعیت می‌کند. اتکای بسیار زیادی به پشتیبانی مردمی دارد. بین دو جبهه درگیر، تناسب معمول وجود ندارد. طرفین از منافع حیاتی داخل و خارج از مرزهای خود دفاع می‌کنند. واحدهای اجرایی و رزمی کوچک است. طرف نیرومند ضربات وارده را تشخیص نمی‌دهد.	(افشردی و همکاران، ۱۳۹۴)

نهایتاً پس از بررسی ویژگی‌های برشمرده شده در جدول فوق به این نتیجه می‌رسیم که اطلاق عنوان «ویژگی جنگ آینده» به برخی از موارد صحیح نیست؛ چراکه تعدادی از موارد ناظر به الزامات جنگ آینده است و برخی موارد شرایط نیروی شرکت‌کننده را برمی‌شمارد یا اینکه برخی به شرایطی که جنگ در آن اتفاق می‌افتد، اشاره دارد.

بر این اساس پس از دسته‌بندی موارد نزدیک به هم و حذف موارد تکراری (انجام فرایند کدگذاری باز و محوری بر روی ادبیات در دسترس در حوزه ویژگی‌های جنگ آینده)، ویژگی‌های زیر، به‌عنوان ویژگی‌های جنگ آینده در این پژوهش در نظر گرفته می‌شود:

تمرکز قوا در جنگ آینده

جدول ۳. دسته‌بندی ویژگی‌های جنگ‌های آینده (محقق ساخت)

ویژگی‌های دسته‌بندی شده	نماینده ویژگی‌های جنگ آینده
تکرارناپذیر - کوتاه‌مدت - هم‌زمانی اقدامات - درگیری هم‌زمان - تمرکز اقدامات در زمان - کاهش چرخه اطلاع تا اقدام - استمرار نبرد	ویژگی عامل زمان در جنگ
صحنه نبرد نامشخص - فضای زیاد مانوری - توسعه صحنه و نفوذ در عمق - بسط محیطی - گستردگی صحنه عملیات - سیالیت صحنه نبرد - دور ایستایی - گسترش صحنه جنگ به آن‌سوی مرزها	ویژگی عامل فضای جنگ
تشکیل نیروی مشترک - ابتکار و خلاقیت - استقلال رزمی - واحدهای رزمی کوچک - تأکید بر نیروهای ویژه - تأکید بر قدرت هوایی - پیوند علم و هنر جنگ - ناهمترازی قدرت رزمی - انعطاف‌پذیری بالا - اتکا به پشتیبانی ملی	ویژگی بازیگران جنگ
سریع و قاطع - مسطح و غیرخطی - تأثیرمحور - استمرار اقدامات در هر شرایطی - تمرکز بر حوزه عملیات روانی - حمله به مراکز ثقل - تکرارناپذیری - تأکید بر فریب و غافل‌گیری - تأکید بر پدافند غیرعامل - اولویت اقدام پیش‌دستانه - تلفیق توانمندی‌ها در اقدامات - تأکید بر اقدامات ویژه - تأکید بر عملیات از هوا - تأکید بر بی‌اثرسازی برتری هوایی	نوع و ویژگی اقدامات جنگ
سادگی در عین پیچیدگی - دقت و کوبندگی - پرهزینه و محدود - ارزان و ابتکاری - فناوری‌محوری - رعب‌آور - ناشناخته و جدید	ویژگی ابزار و تجهیزات جنگ
عدم تناسب بین اقدام و هزینه - تأثیر نامتناسب - درهم‌تنیدگی سطوح - حمله به مراکز ثقل - نزدیکی سطوح سه‌گانه جنگ - درگیرسازی همه مؤلفه‌های قدرت ملی - حمله به راهبردها	دامنه تأثیر جنگ
عدم قطعیت - عدم انتظار - ابهام‌آفرینی - غیرقابل‌پیش‌بینی	قابلیت پیش‌بینی جنگ

همان‌طور که در جدول شماره ۳ آمده است، جنگ آینده در ابعاد عنصر زمان، فضای جنگ، ویژگی بازیگران صحنه، ویژگی اقدامات، ویژگی ابزار و تجهیزات، دامنه تأثیر جنگ و قابلیت پیش‌بینی نسبت به جنگ‌های مرسوم تفاوت خواهد داشت. این ویژگی‌ها با تأثیر بر همه جنبه‌های جنگ، روش‌های مرسوم به کارگیری نیرو، سلاح و تجهیزات، روش‌ها و فرایندهای جنگ در طرح‌ریزی، آماده‌سازی و هدایت جریان نبرد را دستخوش تغییر خواهد کرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر که نتایج آن در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های تاکتیکی در جنگ آینده کاربرد خواهد داشت؛ از نوع «کاربردی» است که به روش «توصیفی» انجام شده است و از آنجا که در این پژوهش برای جمع‌آوری، اندازه‌گیری، توصیف و تحلیل داده‌ها از اندازه‌های عددی و عملیات‌های آماری در کنار روش‌های توصیفی غیر آماری استفاده شده، پس با «رویکرد آمیخته» اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی شامل فرماندهان یگان‌های رزم زمینی سپاه و ارتش (شامل تیپ و لشکرهای پیاده، زرهی و توپخانه) از سطح فرمانده گردان به بالا همراه با معاونان عملیات و اطلاعات یگان است که با توجه به طی دوره‌های طولی (از عالی به بالا) و برخورداری از تجارب ارزشمند در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های رزمی و رزمایش‌ها، درک درستی از مفاهیم جنگ آینده و اصول جنگ دارند. نمونه‌گیری از این جامعه که بر اساس رسته یگان در سه گروه پیاده، زرهی و توپخانه جای گرفته‌اند، به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شده و براساس روش‌های استاندارد آماری، حجم نمونه ۱۵۲ نفر تعیین شده است.

جامعه هدف پژوهش را در حوزه کیفی، اساتید و اندیشمندان نظامی با سابقه فرماندهی یگان رزم زمینی در سپاه و ارتش تشکیل داده است که ضمن صاحب‌نظر بودن در قلمرو موضوعی پژوهش، تجربه عملی به کارگیری اصول جنگ در مقام فرمانده یک یگان رزمی را دارا هستند. بر این اساس شرکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش با وسواس فراوان از بین اساتید دانشکده‌های فرماندهی و ستاد و دانشگاه‌های نظامی نرسا و نراجا به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدف‌دار و به تعداد ۶ نفر انتخاب شده‌اند.

داده‌های پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. در روش کتابخانه‌ای مراجعه به منابع دربرگیرنده مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط پژوهشی و با ابزار فیش‌برداری صورت گرفته است و در روش میدانی در بخش کمی، داده‌ها با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخت و در بخش کیفی با انجام مصاحبه حضوری بسته، جمع‌آوری شده است.

در خصوص روایی پرسشنامه، گویه‌های مطرح‌شده با دقت و حساسیت، از ادبیات موضوعی استخراج و در یک فرایند رفت و برگشتی نظر ۵ تن از اساتید و صاحب‌نظران برای اصلاح گویه‌ها اخذ و اعمال گردید و بدین‌صورت اطمینان حاصل شد که پرسشنامه از دقت کافی برای جمع‌آوری داده‌ها برخوردار است و با اجرای آزمون آلفای کرونباخ بر روی داده‌های جمع‌آوری‌شده، ضریب ۰/۸۸۴ حاصل شد که نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه دارد. از آنجا که در پژوهش‌های کیفی دو مفهوم روایی

تمرکز قوا در جنگ آینده

و پایایی از هم قابل تفکیک نیست، پس با اقداماتی مانند تعمیق در ادبیات نظری برای طرح پرسش‌ها، استفاده از نظر اساتید برای اصلاح سؤالات، اصلاح و تکمیل کارت مصاحبه در روند اجرای مصاحبه‌ها، ارسال کارت مصاحبه‌ها همراه با خلاصه‌ای از مبانی نظری برای مصاحبه‌شوندگان قبل از مصاحبه حضوری و انتخاب زمان و مکان مناسب برای انجام مصاحبه؛ سعی در ارتقای اعتبار کارت مصاحبه به عمل آمد.

در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌های کمی پژوهش با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS (نسخه ۱۶) و با روش‌های تحلیل توصیفی (از قبیل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آزمون‌های استنباطی (به‌طور مشخص رتبه‌بندی فریدمن) صورت گرفته است. داده‌های کیفی به روش کدگذاری در یک فرایند از کدگذاری باز (استخراج مفاهیم از پاسخ مصاحبه‌شوندگان) تا کدگذاری محوری (تعیین مقوله برای کدهای نزدیک به هم) و نهایتاً تفسیر هر مقوله و برقراری ارتباط منطقی بین مقوله‌ها (برای پاسخ به پرسش پژوهش) تحلیل گردید. در این روش از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

داده‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

داده‌های مربوط به توصیف جمعیتی نمونه آماری در بخش کمی و مشارکت کنندگان در بخش کیفی پژوهش دو نتیجه عمده را در بردارد:

اول اینکه نمونه مورد رجوع از نظر سابقه کاری، سطح تحصیلات و دوره‌های طولی گذرانده‌شده در سطح بالایی قرار دارند که نشان‌دهنده قابلیت اطمینان به نظرات افراد در حوزه موضوع پژوهش است.

دوم اینکه نمونه پژوهش به‌خوبی در سطح نیروی زمینی سپاه و ارتش توزیع شده و در ضمن متناسب با فراوانی یگان‌های رزم زمینی، رسته‌های پیاده، زرهی و توپخانه را پوشش می‌دهد که حکایت از فراگیری و قابلیت تعمیم نظرات نمونه آماری دارد.

جدول ۴. خلاصه داده‌های جمعیتی نمونه پژوهش

ویژگی نمونه	فراوانی در بین ۱۵۰ نفر	درصد
نیروی زمینی سپاه	۱۰۰	۶۶/۷
نیروی زمینی ارتش	۵۰	۳۳/۳
مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر	۱۵۰	۱۰۰/۰
گذراندن دوره دافوس	۷۳	۴۹/۰
دارای درجات افسر ارشد و بالاتر	۱۴۱	۹۴/۰

درصد	فراوانی در بین ۱۵۰ نفر	ویژگی نمونه
۶۱/۰	۹۲	دارای سابقه خدمتی بالاتر از ۲۰ سال

یافته‌های تخصصی پژوهش

تعداد شش گویه در پرسشنامه، نظر نمونه آماری را در خصوص نحوه مراعات اصل تمرکز قوا سنجش کرده است که نتایج، در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. میانگین و انحراف معیار گویه‌های مربوط به تمرکز قوا

انحراف معیار	میانگین	تعداد	گویه
۰/۹۵	۲/۴۰	۱۵۰	تمرکز توان رزمی مؤثر در عملیات تهاجمی در جنگ آینده با به‌کارگیری یگان زرهی حاصل می‌شود.
۰/۱۸۸	۳/۴۶	۱۵۰	تمرکز توان رزمی مؤثر در عملیات تهاجمی در جنگ آینده با به‌کارگیری یگان مکانیزه حاصل می‌شود.
۰/۱۵۷	۴/۶۲	۱۵۰	تمرکز توان رزمی مؤثر در عملیات تهاجمی در جنگ آینده با به‌کارگیری (انواع) یگان پیاده حاصل می‌شود.
۰/۱۸۱	۳/۲۱	۱۵۰	عوامل فیزیکی می‌تواند تمرکز توان رزمی مؤثر در جنگ آینده را حاصل کند.
۰/۱۵۳	۴/۴۲	۱۵۰	عوامل غیرفیزیکی در تمرکز توان رزمی مؤثر در جنگ آینده اهمیت دارد.
۰/۴۱	۴/۶۷	۱۵۰	برای تمرکز توان رزمی در عملیات تهاجمی محدود در جنگ آینده باید به عوامل برتری‌ساز توجه ویژه نمود.

بر اساس یافته‌های پرسشنامه، پاسخ‌دهندگان با انتخاب نظر خود از بین پنج گزینه طیف لیکرت (از کاملاً مخالف با ۱ امتیاز تا کاملاً موافق با ۵ امتیاز) رسته پیاده و انواع آن را مناسب‌ترین یگان مانوری برای اجرای عملیات تهاجمی محدود در جنگ آینده می‌دانند و جالب اینکه پاسخ‌دهندگان در این خصوص تا حد زیادی باهم اشتراک نظر دارند (انحراف معیار پایین این گویه نشانگر نظرات نزدیک به هم در بین نمونه آماری است).

از طرفی به نظر پاسخ‌دهندگان در جنگ آینده توجه به عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز برای متمرکز ساختن توان رزمی مؤثر در اجرای عملیات تهاجمی محدود از اهمیت بیشتری نسبت به عوامل فیزیکی برخوردار است. انحراف پایین این دو گویه بر قابلیت اطمینان این یافته می‌افزاید (چراکه مؤید اشتراک نظر پاسخ‌دهندگان است).

در بخش کیفی پژوهش، پس از پیاده‌سازی شش مصاحبه که در هر یک سه پرسش در خصوص نحوه تمرکز قوا در جنگ آینده مطرح شده است، ابتدا با روش کدگذاری باز، ۶۲ مفهوم مختلف تعیین

تمرکز قوا در جنگ آینده

شده و در ادامه در مرحله کدگذاری محوری، با دسته‌بندی مفاهیمی که بار معنایی نزدیک به هم دارند، تعداد ۱۰ مقوله مشخص شده است.

جدول شماره ۶ پرسش‌های مطرح شده در مصاحبه‌ها و تعداد مفاهیم مشخص شده، در پاسخ‌های شش نفر مصاحبه‌شونده به هر یک از پرسش‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶. پرسش‌های مطرح شده در مصاحبه و تعداد کدهای تعیین شده

تعداد مفاهیم استخراج شده	پرسش
۳۳	به نظر شما مناسب‌ترین زمان و مکان برای ایجاد تمرکز قوا و اجرای عملیات تهاجمی محدود علیه دشمن در جنگ آینده چه زمانی است؟
۱۸	در جنگ آینده چگونه توان رزمی مؤثر خود را علیه دشمن در عملیات تهاجمی محدود به‌کار گیریم؟
۲۰	روش‌های کاهش آسیب‌پذیری در هنگام تمرکز قوا در جنگ آینده کدام است؟

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده در نرم‌افزار MAXQDA، گزاره‌هایی که دربرگیرنده مفاهیم قابل توجه بودند، مشخص و برای هر گزاره مفهومی در نظر گرفته شد. (کدگذاری باز) در مرحله بعد، مفاهیم تعیین شده در مصاحبه‌ها دسته‌بندی شده و مفاهیم مرتبط با هم در یک دسته قرار گرفته و با توجه به قرابت معنایی، برای هر دسته یک مقوله تعیین گردید. (کدگذاری محوری) در نهایت می‌توان گفت که مقوله‌های ده‌گانه، در برگیرنده تمام مفاهیمی است که مصاحبه‌شوندگان مطرح کرده‌اند. جدول شماره ۷، مقوله‌های تعیین شده به همراه مفاهیم مرتبط با هر مقوله را نشان می‌دهد.

جدول ۷. مقوله‌های تعیین شده و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های تعیین شده
ابتدای توقف‌های کوتاه دشمن فاصله بین مرحله‌بندی عملیات دشمن ضربه در زمان استقرار دشمن	تمرکز در مقطع توقف دشمن
به‌کارگیری مناطق پوشیده در حرکات استفاده از تاریکی شب و دید محدود بومی‌سازی و استفاده از پوشش محلی غافل‌گیر کردن دشمن با انتخاب زمان مناسب برای تعرض پراکندگی منطقی که به قابلیت رزمی آسیب نزنند	بی‌اثر سازی قابلیت‌های مؤثر دشمن

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های تعیین شده
زمان محرومیت نسبی دشمن از قابلیت‌های مؤثر خود به کارگیری اقدام تعرضی علیه نقطه ضعف متناسب	
غافل‌گیری دشمن با آتش برای زمان تمرکز قوا تمرکز قوا در زمان به هم ریختگی دشمن بر اثر سایر اقدامات تنوع بخشی به اقدامات برای کاهش آسیب پذیری هم افزایی اقدام تاکتیکی با سایر اقدامات به کارگیری ترکیبی از اقدامات و قابلیت‌ها ترکیب اقدامات مختلف	ترکیب اقدامات و قابلیت‌ها
تمرکز قوا با به کارگیری سرعت کوتاه کردن زمان تمرکز قوا سرعت در اجرای عملیات تاکتیکی	به کارگیری سرعت
رویکرد عملیات ویژه برای کاهش آسیب تمرکز قوا یگان سبک مجهز به قابلیت تخریب و انفجارات مجهز به دوش پرتاب و ضد زره تحمیل رزم نزدیک به دشمن در تمرکز قوا سرعت در اجرای عملیات تاکتیکی عدم تمرکز فیزیکی قبل از آغاز عملیات با پراکندگی و زمان بندی	ایجاد قابلیت در یگان عمل کننده
تغییر نگرش به مفهوم مرسوم تمرکز قوا تفاوت تمرکز قوا با مفهوم کلاسیک بازتعریف تمرکز قوا	تغییر نگرش به مفهوم تمرکز قوا
توجه به عوامل غیر فیزیکی و برتری ساز در تمرکز توان رزمی توجه به عوامل برتری ساز برای کاهش آسیب پذیری استفاده صحیح از زمین عملیات فریب تاکتیکی توجه به عوامل غیر فیزیکی (روحي روانی) پوشش و فریب تاکتیکی به کارگیری صحیح عوارض زمین	اهمیت عوامل غیر فیزیکی و برتری ساز
روش‌های ابتکاری برای تمرکز قوا ابتکار و خلاقیت برای کاهش آسیب در هنگام تمرکز قوا ابتکار در ایجاد موضع امن ابتکار و خلاقیت در هدایت	ابتکار و پرهیز از تکرار روش‌ها

تمرکز قوا در جنگ آینده

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های تعیین شده
<p>تأثیر پدافند غیرعامل بر تعیین زمان و مکان تمرکز قوا</p> <p>رعایت پدافند غیرعامل</p> <p>قابلیت زمین برای پدافند غیرعامل</p> <p>اصول و ملاحظات پدافند غیرعامل</p> <p>اهمیت پدافند غیرعامل</p> <p>پدافند غیرعامل در طرح ریزی و آماده‌سازی</p>	<p>رعایت پدافند غیرعامل</p>
<p>توجه به هم‌زمانی اقدامات برای زمان‌بندی تمرکز قوا</p> <p>نیرو در بسته‌های کوچک ولی هم‌زمان آماده</p> <p>هم‌زمانی تمرکز قوا با سایر اقدامات</p> <p>اهمیت زمان‌بندی در تمرکز قوا</p> <p>هم‌زمانی اقدامات در تعیین زمان تمرکز قوا</p> <p>به‌کارگیری تمرکز در زمان به جای تمرکز در مکان</p> <p>هم‌زمان‌سازی سایر اقدامات با عملیات تاکتیکی برای تمرکز قوا</p> <p>عدم تمرکز فیزیکی قبل از آغاز عملیات با پراکندگی و زمان‌بندی</p> <p>انتخاب زمان با توجه به اصل هم‌زمانی اقدامات</p> <p>هم‌زمانی اقدامات گوناگون</p>	<p>هم‌زمانی اقدامات (تمرکز در زمان)</p>

تفسیر مقوله‌ها

در این بخش با پیوند مبانی نظری و نتایج کمی پژوهش سعی می‌شود هر یک از مقوله‌های تعیین شده، تفسیر شده و در نهایت با به‌کارگیری این مقوله‌ها به پرسش پژوهش پاسخ داده شود.

۱- تمرکز در مقطع توقف دشمن: براساس مبانی نظری به این جمع‌بندی می‌رسیم که در واقع قرار دادن نقاط قوت خودی در برابر نقاط ضعف دشمن در جنگ آینده، به نوعی تمرکز قوا تلقی می‌شود؛ بنابراین تمرکز قوا در جنگ آینده باید در زمان و مکانی صورت گیرد که نقطه ضعف دشمن بوده و بیشترین نتایج تاکتیکی را به دنبال داشته باشد. از طرفی براساس آنچه در خصوص ویژگی‌های جنگ آینده و دکتترین تاکتیکی دشمن می‌دانیم، تمرکز قوا در مقطع توقف‌های کوتاه یا استقرارهای موقتی می‌تواند بهترین نتایج را حاصل کند.

۲- بی‌اثرسازی قابلیت‌های مؤثر دشمن: علی‌رغم تأثیری که تمرکز قوا بر موفقیت عملیات آفندی دارد، همیشه آفندکننده را آسیب‌پذیر می‌کند. این آسیب‌پذیری در جنگ آینده که در آن دشمن از برتری‌های آتش و پشتیبانی هوایی در سطوح مختلف برخوردار است، بیشتر نمایان می‌شود. برای همین از نظر بسیاری از افراد این اصل در جنگ آینده کارکرد زیادی ندارد، ولی در اینجا با توجه به اهمیتی

که این اصل در توفیق عملیات‌های آفندی دارد، به دنبال روش‌های کاهش آسیب‌پذیری در حین مراعات این اصل بودیم. سه نفر از مصاحبه‌شوندگان با بیان گزاره‌هایی، هفت مفهوم را ایجاد کردند که پس از دسته‌بندی و محور یابی آن‌ها، به مقوله «بی‌اثر سازی قابلیت مؤثر دشمن حین تمرکز قوا» رسیدیم. این مقوله ناظر به این است که به کارگیری مناطق پوشیده در حرکات، یا استفاده از شرایط دید محدود یا استفاده از پوشش محلی، تا حدی قابلیت دشمن را بی‌اثر می‌کند. ضمن اینکه قابلیت‌های دشمن اغلی زمانی علیه ما به کارگیری می‌شود که انتظار تهدید را دارد. پس تمرکز قوا در زمانی که دشمن را غافل گیر کند یا پراکندگی منطقی تا حدی که به قابلیت رزمی آسیب وارد نکند نیز می‌تواند از شرایط به کارگیری این است در جنگ آینده باشد.

۳- ترکیب اقدامات و قابلیت‌ها: اگر قابلیت‌های مختلفی که در یگان خودی وجود دارد، به جای به کارگیری در طول مدت عملیات، به صورت هم‌زمان علیه دشمن به کار رود، ضمن اینکه در تأثیرات هم‌افزایی خواهد داشت باعث سردرگمی دشمن شده و از طرفی اقدامات متنوع آسیب‌پذیری نیروی خود را نیز کاهش می‌دهد. چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان با بیان مطالبی شش مفهوم را ایجاد کردند که محور یابی آن‌ها به ایجاد مقوله «ترکیب اقدامات و قابلیت‌ها» برای مراعات اصل تمرکز قوا در جنگ آینده منجر گردید.

۴- به کارگیری سرعت: مصاحبه‌شونده شماره ۵، تمرکز قوا در جنگ آینده را به مفهوم مصطلح تمرکز نیرو و تجهیزات نمی‌داند، بلکه معتقد است با به کارگیری سرعت، این مهم حاصل می‌شود؛ یعنی اقدامات تاکتیکی را با سرعت بالا و در کوتاه‌ترین زمان انجام دهیم تا ضمن دستیابی به نتایج دلخواه، آسیب‌پذیری خود را نیز کاهش دهیم.

۵- ایجاد قابلیت در یگان عمل‌کننده: حالا که شرایط حاکم بر صحنه جنگ تغییر کرده است، یگان عمل‌کننده نیز برای دستیابی به نتایج دلخواه (بر مبنای اصول جنگ) باید به قابلیت‌هایی دست یابد که بتواند پاسخگوی تغییر در صحنه باشد. مقوله «ایجاد قابلیت در یگان عمل‌کننده» ناظر به قابلیت‌هایی مانند به کارگیری رویکرد ویژه برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توان اثرگذاری، سبک‌سازی یگان و ایجاد توانایی اجرای تخریب و انفجارات در سطح وسیع، تجهیز هرچه بیشتر به سلاح‌های دوش‌پرتاب و بر خورداری از تجهیزات برای افزایش سرعت حرکات می‌باشد. بدیهی است وقتی می‌توان تمرکز مناسبی برای تک ایجاد کرد که آسیب‌پذیری خود را کاهش دهیم؛ برخی از قابلیت‌های مذکور مستقیماً به کاهش آسیب‌پذیری منجر شود و برخی به صورت مستقیم و با ارتقای قابلیت نیرو، نیاز به تجمع و به کارگیری تعداد بیشتری از افراد را کاهش دهد. این قابلیت باید در یگان وجود داشته باشد

تمرکز قوا در جنگ آینده

که بدون تمرکز فیزیکی در زمان خاص، هر واحد براساس طرح از قبل تعیین شده، در زمان مقرر ضربه مؤثر را بر دشمن وارد آورد؛ یعنی تمرکز توان بدون تجمع نیرو. این مهم با ایجاد قابلیت‌های متناسب در یگان حاصل می‌شود.

۶- تغییر نگرش به مفهوم تمرکز قوا: ضرورت دارد مفهوم تمرکز قوا، تحت تأثیر توانایی‌های دشمن و آسیب‌پذیری‌های خودی، متأثر از فضای جنگ آینده، براساس مفاهیمی چون تمرکز در زمان، زمان‌بندی اقدامات بدون تجمع نیرو و... بازتعریف شده و به‌هیچ‌عنوان نباید به تجمع نیرو برای اجرای تک، مشابه آنچه در گذشته صورت می‌گرفت؛ فکر کرد.

۷- اهمیت عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز: می‌دانیم که تمرکز قوا به مفهوم قرار دادن توان رزمی مؤثر در زمان و مکان مناسب است و براساس مبانی نظری، توان رزم حاصل برآیند توان فیزیکی، غیرفیزیکی و برتری‌ساز است. درست است که در مقایسه توان خودی و دشمن در فضای جنگ آینده، توان فیزیکی خودی در حوزه کمیت و کیفیت سطح اختلاف معناداری با دشمن دارد، اما این امکان فراهم است که در حوزه عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز این کمبود را جبران کنیم. این مقوله از مفاهیمی تشکیل شده است که در طول مصاحبه‌ها به اهمیت حوزه غیرفیزیکی و برتری‌ساز در جنگ آینده اشاره دارد و تأکید می‌کند که برای مراعات اصل تمرکز قوا، نباید فقط متوجه عده و عده برای تأثیرگذاری بر صحنه نبرد باشیم.

ضمناً در بخش کمی پژوهش نیز، نمونه‌های آماری این مقوله را تأیید نموده‌اند. نظر افراد در سه گویه، پیرامون اهمیت عوامل فیزیکی، غیرفیزیکی و برتری‌ساز برای تمرکز قوا در جنگ آینده، پرسیده شده است. دو گویه عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز، میانگین بالاتر از ۴ را کسب کرده و هر دو انحراف معیار پایینی داشته‌اند. این بدان معناست که اولاً اهمیت عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز برای تمرکز قوا در جنگ آینده از سوی نمونه آماری تأیید شده و ثانیاً پاسخ‌دهندگان در خصوص اهمیت این دو عامل اشتراک نظر بالایی دارند (پایین بودن انحراف معیار).

۸- ابتکار و پرهیز از تکرار روش‌ها: پس از مقایسه تعاریف مختلفی که برای جنگ آینده و ویژگی‌های آن آمده است، به این جمع‌بندی می‌رسیم که در این فضا طرفی که از توانایی فیزیکی کمتری برخوردار است نقاط قوت خود را با به کارگیری روش‌های بدیع و غیرتکراری در پاشنه آشیل طرف مقابل به کار می‌گیرد. ابتکار و پرهیز از روش‌های تکراری از مواردی است که در بررسی نحوه به کارگیری اصول مختلف جنگ به آن برمی‌خوریم (مانند اصول تأمین و آفند)، اما در مورد به کارگیری اصل تمرکز قوا، از آنجا که چالش اصلی ما آسیب‌پذیری یگان خودی در مرحله تمرکز است،

پس با مراعات ملاحظه ابتکار و پرهیز از روش‌های تکراری، دشمن را در شرایطی قرار می‌دهیم که انتظار آن را ندارد؛ شرایطی که خود را برای به کارگیری قابلیت‌هایش در آن آماده نکرده است. صاحب‌نظران در مصاحبه‌ها تأکید داشتند که ابتکار و خلاقیت برای مراعات اصل تمرکز قوا باید ناظر به همه مراحل طرح‌ریزی، آماده‌سازی و اجرا و هدایت عملیات در جنگ آینده باشد.

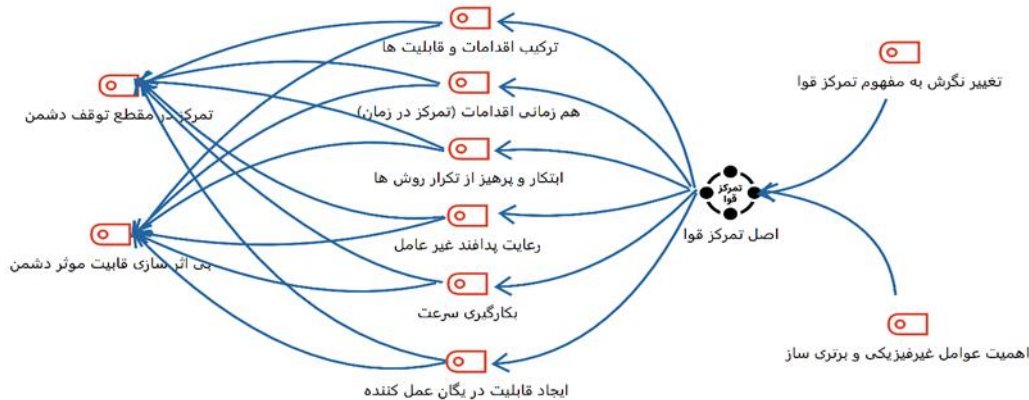
۹- رعایت پدافند غیرعامل: مصاحبه‌شونده‌ها در بیان نظرات خود در خصوص نحوه مراعات تمرکز قوا در جنگ آینده، بر رعایت پدافند غیرعامل در مرحله طرح‌ریزی، (و بیشتر) آماده‌سازی و هدایت عملیات‌ها تأکید ویژه داشتند.

۱۰- هم‌زمانی اقدامات (تمرکز در زمان): برای متمرکز ساختن توان رزمی خود در نقطه و زمانی که بیشترین آسیب و تلفات را به دشمن وارد کند، هم‌زمانی اقدامات یکی از ملاحظات بسیار مهم است. درست است که در آینده تجمع نیروها و تجهیزات کارکرد خود را از دست داده است، ولی می‌توان به جای تجمع توان فیزیکی در یک نقطه و مکان؛ توان فیزیکی را (که با عوامل غیرفیزیکی و برتری‌ساز تقویت شده است)، در زمان متمرکز نمود. این خود دو جنبه دارد: یکی اینکه اقدامات مختلفی را که طراحی کرده‌ایم، در زمان واحد علیه دشمن پیاده کنیم. دیگر اینکه در طرح‌ریزی، سلسله اقدامات یک عملیات را به‌طور دقیق زمان‌بندی و مرحله‌بندی نماییم که یگان‌های پراکنده در زمان مشخص نقش خود را ایفا و ضربه خود را وارد کنند؛ بدون اینکه نیاز به تجمع قبل از اقدام وجود داشته باشد. البته این مستلزم پیش‌بینی محل استقرار هر یگان و واحد عمل‌کننده نزدیک نقطه‌ای است که باید عمل نمایند. اینجاست که نقش مراعات اصل تمرکز قوا در مرحله طرح‌ریزی، بسیار پررنگ‌تر است.

در پایان با تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه به این نتیجه می‌رسیم که پاسخ‌دهندگان یگان‌های پیاده و مکانیزه را برای تمرکز قوا در جنگ آینده مناسب دانسته و به کارگیری یگان زرهی را برای این منظور، مناسب نمی‌دانند.

شکل شماره ۲ ارتباط بین مقوله‌های تعیین‌شده در این پژوهش و ملاحظات به کارگیری اصل تمرکز قوا در جنگ آینده را نشان می‌دهد.

تمرکز قوا در جنگ آینده



شکل ۲. ارتباط بین مقوله‌های تعیین شده و رعایت تمرکز قوا در جنگ آینده

نتیجه گیری

حالا که با تفسیرهای ارائه شده، مقوله‌های ده گانه برای روش به کارگیری اصل تمرکز قوا در جنگ آینده تأیید شد و نظرات نمونه کمی پژوهش نیز بر آن صحنه گذاشت؛ به طور خلاصه می‌توان گفت: برای مراعات اصل تمرکز قوا ضمن درک ضرورت تغییر نگرش به این مفهوم و پذیرش اهمیت عوامل غیرفیزیکی و برتری ساز نسبت به عوامل فیزیکی لازم است در جنگ آینده، ابتدا قابلیت‌های لازم را در یگان‌ها ایجاد کرده و سپس با ترکیب همه اقدامات و قابلیت‌ها و تمرکز آن‌ها در زمان (به جای تجمع در مکان)، ضمن به کارگیری سرعت و روش‌های مبتکرانه و غیر تکراری با رعایت پدافند غیر عامل توان رزمی را به منظور بی‌اثر سازی قابلیت‌های مؤثر دشمن در مقطع توقف‌های او متمرکز سازیم.

با توجه به اینکه، بیش از ۹۵ درصد پاسخ‌دهندگان موافق و کاملاً موافق به کارگیری انواع پیاده برای تمرکز مؤثر توان در جنگ آینده بودند و این گویه در نهایت میانگین بسیار بالاتری نسبت به زرهی و مکانیزه را کسب کرده است، پس بر اساس نظر نمونه آماری، انواع پیاده، رسته مناسب‌تری برای تمرکز توان رزمی مؤثر در عملیات‌های آفندی در جنگ آینده است.

کتابنامه

- اسکیلز، رابرت. (۱۳۸۴). جنگ آینده. ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ.
- افشردی، محمدحسین؛ عراقی، عبدالله؛ و زین‌الدینی، مجید. (۱۳۹۶). «اصول رهنامه عملیاتی نزا و نرسا درنبرد ناهم‌تراز». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۱۵، ش ۷۰: ۵-۳۲.
- افشردی، محمدحسین؛ کمالی، محمدرضا؛ و مؤمن، ساسان. (۱۳۹۸). «تفاوت‌ها و شباهت‌های اصول نبردهای هم‌تراز و ناهم‌تراز نیروهای زمینی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۱۷، ش ۷۷: ۵-۲۸.
- باری آر. اشنایدر. (۱۳۹۴). «اصول جنگ برای میدان‌های نبرد آینده». ترجمه صالح رضایی، ماهنامه نگاه.
- بیات، حسن. (۱۴۰۰). اصول و قواعد اساسی رزم. تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام حسین(ع). (نشر اثر اصلی ۱۴۰۰)
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی. (۱۳۸۹). اصول جنگ. تهران: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق(ع).
- حسنلو، خسرو. (۱۳۹۶). «اصول جنگ در عصر ناهمگونی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۱۵، ش ۷۰: ۱۵۱-۱۷۸.
- حسینی تاش، سید علی. (۱۳۸۷). «بررسی مفهومی پدیده جنگ زمینی آینده». نگرش راهبردی، ش ۸۹-۹۰: ۸۳-۱۰۶.
- حیدریان، محسن؛ و خادم دقیق، امیر هوشنگ. (۱۳۹۸). «الگوی فرماندهی و کنترل هوایی در جنگ‌های آینده». آینده‌پژوهی دفاعی، ج ۱۴، ش ۴: ۶۱-۸۶.
- زهتاب‌سلماسی، یعقوب؛ صارمی‌رسولی، یعقوب؛ یارندی، سیدمحسن؛ و کمالی، محسن. (۱۳۸۸). جنگ ناهم‌تراز. تهران: انتشارات دافوس آجا.
- شهلائی، ناصر؛ مرادیان، محسن؛ لطفی، احمد؛ و هادی‌نژاد، فرهاد. (۱۳۹۵). «طراحی مدل ریاضی برای پیش‌بینی مکان بهینه مراکز آمادی در شرایط جنگ‌های آینده». آینده‌پژوهی دفاعی، ج ۱، ش ۱: ۴۵-۶۴.
- شیخ، علیرضا؛ و صمیمی، مهدی. (۱۳۹۶). «الگوی توانمندسازی عمومی فرماندهی در صحنه جنگ‌های آینده جمهوری اسلامی ایران». آینده‌پژوهی دفاعی، ج ۲، ش ۵: ۲۷-۵۵.
- طاهایی، سید محمد. (۱۳۷۲). «استراتژی جنگی و اصول بنیادین جنگ». مصباح، ج ۲، ش ۵: ۳۱-۴۰.
- طاهریان، محمد. (۱۴۰۰). به‌کارگیری اصول جنگ در جنگ آینده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران.
- فان‌کرفلد، مارتین. (۱۳۸۴). هنر جنگ(جنگ و اندیشه نظامی). ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- کالینز، جان ام. (۱۳۸۶). استراتژی نظامی (اصول، شیوه‌ها و جنبه‌های تاریخی). ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی معاونت آموزش و نیروی انسانی ستاد مشترک سپاه.

تمرکز قوا در جنگ آینده

- کالینز، جان ام. (۱۳۸۸). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها). ترجمه کورش بایندر. تهران: وزارت امور خارجه. (نشر اثر اصلی ۱۳۷۰)
- کلانتری، فتح‌الله. (۱۳۹۵). «تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی». آینده‌پژوهی دفاعی، ج ۱، ش ۲: ۱۴۳-۱۶۲.
- گروه نویسندگان. (۱۳۷۲). اصول جنگ و توان رزمی آفند. تهران: معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه. بازیابی از کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- معین‌وزیری، نصرت‌الله. (۱۳۹۸). روش تجزیه و تحلیل جنگ (عملیات) بر اساس اصول جنگ. تهران: انتشارات دافوس آجا. (نشر اثر اصلی ۱۳۹۸)
- مک‌کالو، تیموتی؛ و جانسون، ریچارد. (۱۳۹۵). جنگ ترکیبی. ترجمه احمد الهیاری. تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش.

منابع خارجی و وبگاه‌های اینترنتی:

- F Ettrich, Brian B. (2005, June). The principles of war: are they still applicable. Naval Postgraduate School.
- Farmer, David B. (2010). do the principles of war apply to cyber war? School of Advanced Military Studies United States Army Command and General Staff College, Fort Leavenworth, Kansas.
- Fuller, J.F.C. (1993). THE FOUNDATIONS OF THE SCIENCE OF WAR. Kansas: U.S ARMY COMMAND AND GENERAL STAFF COLLEGE PRESS.
- Mallick, P K. (2009). principles of war time for relook. Manekshaw Paper, (12).